

افق امروز

۲۵

تازه‌های مؤسسه‌ی نشرافوق

ویژگی بیست و سومین
نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ۱۳۸۹

در خت مار دومین زمانی است که از اووه تیم، نویسنده
با ترجمه‌ی محمود حسینی‌زاد منتشر کرد که مورد
بخش بهترین زمان ترجمه شده بود در خت مار جزو
تیم در این زمان به مضمونی می‌پردازد که در ادبیات
از ژوزف کنراد که در شاهکارش دل‌نار یکی به این
این تقابل را تصویر کرده‌اند می‌توان نام برد از نویسنده

پیش در آمدی بر کتاب نقحات نفت نوشته‌ی رضا امیرخانی

نوشته‌هایی برای جوان‌ترها

نگاهی به این سالن و بیچ میلیون‌ها نفر

آخرین یادگاری از سلینجر

گفت و گو با محمود حسینی‌زاد، درباره‌ی آلیس و گنس

یک ملاقات عاشقانه با مرگ

طوطی و بازگان، تصویرگر فیه و زه گل محمدی

طوطی در باغ نقاشی

مهری ۲۸ کتاب

نشرافوق

و در دست‌های شما

نشرافوق

رضا امیرخانی



دور ریختنی های بازیگوش و دوست داشتنی

روی پله های کنسرواتوار، برگزیده داستان های کوتاه دونالد بارتمی

این کتاب شامل ۹ داستان کوتاه از دونالد بارتمی (۱۹۸۹-۱۹۳۱)، نویسنده بر جسته ی پست مدرنیست آمریکایی است که شیوا مقانلو مترجم دو کتاب دیگر از این نویسنده، آن ها را از میان ۶۰ داستان کوتاه برگزیده ی نویسنده انتخاب و به فارسی ترجمه کرده است. بنابراین روی پله های کنسرواتوار مجال مناسبی برای خواننده ی ایرانی است که بارتمی بزرگ را بهتر و دقیق تر بشناسد. داستان های بارتمی از اندازه ی معمول داستان کوتاه به شکل متعارف و آمریکایی آن کوتاه ترند و اغلب بر محور یک اتفاق نوشته شده اند. البته بارتمی داستان های بلندتری هم نوشته است که جزو آثار شاخص او به شمار نمی آیند. مثل دیگر نویسندگان پست مدرن، بارتمی هم روایتگر وضعیت های وارونه، معوج و گاه طنز آلود است اما طنز او گاهی حالت ریشخند آمیز و هولناکی می یابد. مثل داستان کوتاه بی نظیری در همین مجموعه که در آن راوی تعریف می کند تصمیم گرفته اند در جمع دوستان یکی را اعدام کنند. این تصمیم را به او ابلاغ می کنند و بی اعتنا به اعتراض او شروع به ایده پردازی و مشورت در مورد نحوه ی اجرای حکم می کنند. سرانجام دارزدن در جنگل در نظر گرفته می شود. تشریفات کامل مراسم از قبیل یک ارکستر کلاسیک هم تدارک دیده می شود. این داستان با ریتم سریع حوادث و لحن خونسرد و به ظاهری منطقی راوی، خواننده را شوکه می کند و در موقعیت انفعال قرار می دهد. اما نه انفعالی از دست آثار عامه پسند بلکه بیش تر شوک زدگی که به کشف ناهنجاری می انجامد.

در داستان های دیگر مجموعه هم بارتمی را در جایگاه یک هزل پرداز مفاهیم بزرگ و کلان می بینیم. چنان که او جنگ را با تیزبینی و ظرافت به سخره می گیرد و هجو می کند. موقعیت هایی که او از جنگ یا حاشیه ی آن باز می گوید مثل چیزهای فراموش شده، خرت و پرت های روایی است که از نظر دیگر نویسندگان با ایده های بزرگ حماسی یا نظرگاه های ایدئولوژیک و تبلیغاتی دور مانده است. بارتمی به سراغ پس مانده ها و سوژه های جزئی نادیده می رود. مثل ذهن مبتکری، از وسایل دور ریختنی و از کار افتاده، ابزار تازه و به درد بخور می سازد. بارتمی هم استاد دور ریختنی های داستان است. داستان روی پله های کنسرواتوار نمونه ی دیگری از این تکنیک عالی بارتمی است. او موقعیت مضحکی از گفت و گوی دو دوست درباره صلاحیت پذیرفته شدن روی کنسرواتوار می آفریند. گفت و گوی عبث درباره ی معیارهایی بیهوده که برای تمام مردم روزگار مسا در جایی بروز می یابد و شمایل جدی و ترسناک پیدا می کند هر چند که در حقیقت به اندازه ی چیزهای دیگر بی معناست.

خواندن آثار بارتمی، تجربه ی دیگری از مواجه شدن با ادبیات است. داستان هایی که انگار لباس رسمی خود را دور انداخته اند و هیچ تمایلی به جدی بودن و عظیم بودن و دردناک بودن ندارند هر چند که گویای واقعیت های تلخ و حقیقی هستند اما بازیگوشانه از زیر بار نقش های جدی و متظاهرانه شانه خالی می کنند. مثل کسی که از پشت میز خطابه پایین بیاید، کنار مان بنشیند و جوک خنده داری رازیر گوش مان بگوید که شنیدش بیش تر از هر چیزی خوشحال مان می کند.



افق نزدیک

روی پله های کنسرواتوار

دونالد بارتمی / ترجمه ی شیوا مقانلو

ادبیات امروز - مجموعه داستان ۲۱

رقمی - ۱۳۶ صفحه

۳۰۰۰ تومان

